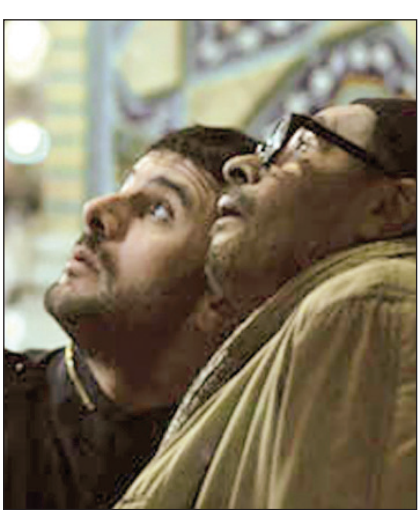


سه‌گانه زیارت

شب

اولین قسمت از سه‌گانه رسول صدرعاملی با موضوع زیارت، با حضور آگسل یازگیران سینمای ایران، تجربه‌ای جالب توجه از آب درآمد ماجرای گروهان جوانی که باید مجرمی سابقه‌دار را به یکی از شهرستان‌ها تحویل دهد و در این میان مأمور و مجرم باید شبی را در مشهد بگذرانند. بازی عزت‌الله انتظامی در نقش مجرم سابقه‌دار و حضور امین حیایی در نقش گروهان جوان که با حضور در مهمانسرا با سیدرضا (خسرو گنجشکپای) آشنا می‌شوند از نکات جالب فیلم شب است. تمرکز فیلمساز بر شخصیت‌های محدود، انسجامی به فیلم بخشیده است. لحن پلاکاتی‌فایلم در پرده آخر و نمایش مفهوم معجزه در پیوند با زیارت حرم امام رضا(ع)، شب را تا اندازه‌ای از اهدافش دور می‌کند.

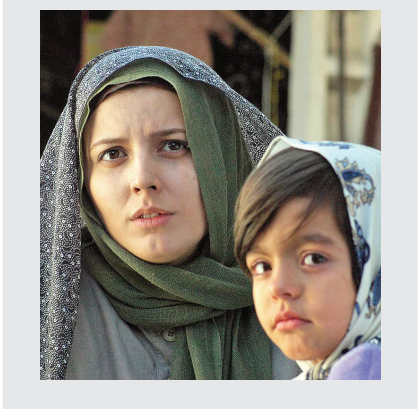


سیدرضا میرسلیم در نقش مجرم سابقه‌دار

سیدرضا میرسلیم در نقش مجرم سابقه‌دار

هر شب تنهایی

زوج جوانی که با مسائل و مشکلاتی که دارند برای زیارت به مشهد آمده‌اند؛ مسئله‌ای که فیلمساز ترجیح می‌دهد خیلی زود به بیانشان نبردار شود. پرخاشن به رابطه لیا حاتمی و حلایه بهداد خوب از کار درآمده و فیلم به موازات نمایش احساسات و عواطف و چالش‌های زوج جوان، هم مسئله‌اش را مطرح می‌کنند(زن است) و هم به مفهوم معجزه می‌پردازد. هر شب تنهایی بهترین قسمت از سه‌گانه صدرعاملی با موضوع زیارت است؛ چون هم بازیگرانی متناسب با نقش‌ها را اختیار داشته و هم فیلمنامه در پیوند مداوم با مشاهده آن تجربه‌ای مدونی دربرستی شکل گرفته و بسط یافته است. بازی روان و آزاد حامد بهداد در گورگاری که بیشتر از هر چیز دنبال برون‌گرایی بود، از امتیازات قابل توجه فیلم است.



سیدرضا میرسلیم در نقش مجرم سابقه‌دار

سیدرضا میرسلیم در نقش مجرم سابقه‌دار

در انتظار معجزه

شعبه‌ترین قسمت سه‌گانه صدرعاملی که نه فیلمنامه استاندارد و پر و پیمانی دارد و نه می‌تواند خط داستانی‌اش را با مضمون موردنظر فیلمساز پیوند بدهد. به‌نظر می‌رسد در انتظار معجزه صرفاً با یک خط داستانی تابسنده و بدون طرح یا مضمونی ساخته شده است؛ فیلمی که با وجود زمان نسبتاً کوتاهی که کمتر از استاندارد یک فیلم سینمایی است، ممل از کار درآمده حمید کرشنراد و پرشوش‌نظر به در نقش زوجی که چشم‌انداز دیگر را ندارند نشان‌شان را کرده‌اند تا تأملی‌ار قابل تحمل کنند.ولی در نهایت به توفیق رسیده‌اند. نمایش فیلم در جشنواره فجر مجموعه‌ای از انتقادها را در همراه داشت و همانطور که انتظار می‌رفت در ارگان هم شکست خورد.



سرپال «ولایت عشق» ساخته مهدی قحجمرآمده سال۱۳۷۹در ۳۰قسمت روی آنتن شبکه یک

گزارش

سیمارفت و مورد استقبال مخاطبان قرار گرفت. این سرپال روایتی از سال‌هایی است که امام‌رضاع) به اصرار مأمون عباسی به شهر مرو رفت و ولایتعهدی وی را پذیرفت و در نهایت به‌دست مأمون به شهادت رسید. ۱۲ قسمت ابتدایی این مجموعه درباره مرگ هارون، جنگ دوسر هارون بر سر جانشینی پدر و در نهایت خلافت مأمون، ۱۵ قسمت میانی سرپال درباره چگونگی تحمیل ولایتعهدی مأمون به امام رضا(ع) و ۳ قسمت پایانی درباره حرکت مأمون به‌سوی بغداد و شهادت امام‌رضاع) است. این سرپال را می‌توان، با موفق و برخی نقدهای وارد به آن، یکی از نمونه‌های درخشان در نمایش شخصیت امام‌رضاع) تغییر کرد که خاطره خوش آن هنوز در ذهن مخاطبان جای دارد.

به‌رغم این موفقیت، تاکنون نوشتارهای تحقیقی و دانشگاهی اندکی در باب نحوه تصویر کردن سیره امام‌رضاع) در این سرپال به رشته تحریر درآمده است. در مطلب پیش‌رو با استناد به مقاله «نقد مجموعه تلویزیونی ولایت عشق از منظر بازنمایی سبک زندگی رضوی» نوشته سعید طاووسی مسرور، استاندار فلسفه و معارف اسلامی و شیعه‌شناسی دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی که در شماره ۴۰دوفصل‌نامه معارف رضوی و رسانه به تاریخ پاییز و زمستان ۱۳۹۲ منتشر شده، بازنمایی سیره رضوی در سرپال ولایت عشق را از مورد بررسی قرار داده‌ام.

بازنمایی سیره فردی امام‌رضاع

طاووسی مسرور در مقاله‌اش نوشته که برای نشان دادن سیره امام باید «چگونه زیستن» آن حضرت را به تصویر کشید و این همان بازنمایی سبک زندگی رضوی است؛ زیرا سبک زندگی در نگاه اسلامی، «همان‌که زیستن در همه عرصه‌ها و شئون زندگی است. از این‌رو، از چگونه زیستن امام‌رضا علیه السلام می‌توان تصویر به سبک زندگی رضوی کرد. در یک تقسیم‌بندی، سبک زندگی رضوی در ۳ محور سیره فردی، سیره اجتماعی و سیره عبادی قابل تبیین است. به نوشته این استاد دانشگاه، محتوای این مجموعه تلویزیونی از نظر انطباعی با منابع تاریخی و روایی، در قیاس با برخی از دیگر آثار تاریخی سینما با تلویزیون، پذیرفتنی‌تر است.

و بازنمایی آن در سرپال چنین می‌نویسد: صبر از ویژگی‌های امام‌رضا علیه‌السلام است. آن حضرت گنجشکپای از ویژگی‌های اصلی مومن و از نشانه‌های پای برهنه هستند، پایشان بسیار تمیز است. البته دستپایی به حقیقت ایمان می‌دانند. ولایت عشق در بازنمایی این صفت امام موفق عمل کرده و علاوه بر نشان‌دادن بربرای امام در برابر رنج‌های ولایتعهدی اجباری، در بیانات آسام پس از رسمیت یافتن ولایتعهدی آن حضرت، صبر را از صفات امامان پیش از خود می‌پرسد. ارادتگویی و محبت‌مدان‌شان نشان‌دهنده از دیگر معیار سیره فردی آن حضرت است؛ چنان‌که از این حضرت نقل شده با یک‌دیگر ای اخلاق انبیاست. به نظر می‌رسد انتخاب جامه سید و تمیز در انتفال این صفات امام به مخاطب، اثر گذار بوده است. در این

مجموعه امام را می‌بینیم که لباسی ساده، اما راسته و تمیز دارند و نعلین‌های ساده‌ای به پا کردند یا اگر گنجشکپای از ویژگی‌های اصلی مومن و از نشانه‌های پای برهنه هستند، پایشان بسیار تمیز است. البته سید، پیوسته بلکه مانند امامان پیش از خود (ازبیته جز امیرالمومنین علیه‌السلام و امام حسن علیه‌السلام) دیگر هنگام سیر بر روی آن حضرت است؛ چنان‌که به تأسی از رسول خدا صلی الله علیه و آله خود را به سبک‌ترین افراد جامعه قرار می‌دادند(جامعه‌ای زیبا و نو مانند چیز خرم می‌پوشیدند. این مسئله با

یک قطعه از بهشت در مشهد آرمیده است

بررسی سیره فردی، اجتماعی و عبادی امام‌رضاع
در سرپال «ولایت عشق»



ساده‌زیستی امام هیچ تناقضی ندارد و سادگی و تمیز دارند و نعلین‌های ساده‌ای به پا کردند یا اگر بی‌تکلفی در سراسر زندگی امام جاری بود آن حضرت خوب و دقیق به تصویر کشیده شده‌اند. مانند ایامات و آن حضرت که از باران مخلص امام‌رضا علیه‌السلام و از بیان می‌کردند. مجموعه تلویزیونی ولایت عشق در تربیت‌شدگان آن حضرت بوده است که در سرپال هم شاهد چنین شخصیتی را او هستیم. گفتنی است، این نقش مهم با بازی خوب، زنده‌یاد علام‌رضا طباطبایی ماندگار شده است.

بازنمایی سیر اجتماعی امام‌رضاع

به اعتقاد طاووسی مسرور، از آنجا که سیره اجتماعی امام بیشتر در تحلیل ارتباط ایشان با دیگران قابل تبیین است، برای بازتاب سیره امام‌رضاعی در سرپال ولایت عشق بهتر بود، از ارتباط ایشان با برخی سادات سیستانی امام‌هجج تناقضی ندارد و سادگی و تمیز دارند و نعلین‌های ساده‌ای به پا کردند یا اگر بی‌تکلفی در سراسر زندگی امام جاری بود آن حضرت خوب و دقیق به تصویر کشیده شده‌اند. مانند ایامات و آن حضرت که از باران مخلص امام‌رضا علیه‌السلام و از بیان می‌کردند. مجموعه تلویزیونی ولایت عشق در تربیت‌شدگان آن حضرت بوده است که در سرپال هم شاهد چنین شخصیتی را او هستیم. گفتنی است، این نقش مهم با بازی خوب، زنده‌یاد علام‌رضا طباطبایی ماندگار شده است.

آن حضرت این است: «مهربانی با مردم نبی‌ی از خرد است.» آن حضرت با مردم کریمانه برخورد می‌کرد و جامه از آن و خشن می‌پوشید. اما در دیدار با مردم خود و آن را بی‌است و لباسی فاخر بر تن می‌کرد. در نگاه‌ی تربیت‌شدگان آن حضرت بوده است که در سرپال هم شاهد چنین شخصیتی را او هستیم. گفتنی است، این نقش مهم با بازی خوب، زنده‌یاد علام‌رضا طباطبایی ماندگار شده است.

وی در بخش دیگری از مقاله‌اش درباره انعکاس سیره اجتماعی آن امام بزرگوار نوشته: یکی از اصول برخورد امام رضا علیه‌السلام با مردم مهربانی است، چنان‌که سبک‌ترین افراد جامعه قرار می‌دادند(جامعه‌ای زیبا و نو مانند چیز خرم می‌پوشیدند. این مسئله با

هلمشاه‌لاری

هلمشاه‌لاری

فرهنگ



همچون دیگر امام‌ها شیعه بسیار جلوه برپیکری داشته تسن در دوره صفویه، آن بر گور را چنین وصف کرده است: «هر که از باران مخلص امام‌رضا علیه‌السلام و از بیان می‌کردند. مجموعه تلویزیونی ولایت عشق در تربیت‌شدگان آن حضرت بوده است که در سرپال هم شاهد چنین شخصیتی را او هستیم. گفتنی است، این نقش مهم با بازی خوب، زنده‌یاد علام‌رضا طباطبایی ماندگار شده است.

بازنمایی سیره عبادی امام‌رضاع

موضوعات مهمی است که در زندگی हमشتمین اهل

آن حضرت را در حال دعا می‌بینیم. یکی از نمونه‌های اهدای امام‌رضا علیه‌السلام روایت شده که همواره آن حضرت پس از نماز باران است که دارای متنی کوتاه است، در ادامه این سکنای فقط امام را می‌بینیم که دست به جانب آسمان بلند کرده است. «مرحوم ام‌الله العظمی محمدجعفر مودع ابطنی ادعیه آن حضرت را در کتابی گرد آورده است. بنا بر این کتاب، در مناجات‌های امام مصلحین متعددی چون تحمید، تسبیح، شکر و ثناء و در ادعیه آن حضرت مضامینی چون طلب فرج، امر و ایمن، هدایت و تأیید نمودن بر آن، تأیید، شایده، حاجات و دفع شر دشمنان و طلب ابدیهای بر زمان ولایت عشق در برابر دیدگان مخاطب قرار گرفته است. مکتب است توحیه کارگردان این باشد که

فرهنگ



نشان‌دادن امام در حال نماز یا دیگر مناسک برای مخاطب جذاب نیست و افتادن در دام کلیشه است، اما می‌توان از ظرفیت‌های موجود بهترین استفاده را کرد و توجه امام به عبادت خدا را به مخاطب انتقال داد. برای نمونه، در همین مجموعه با نمایش بیانات امام‌شاهد توحیه آن حضرت به عبادت خدا هستیم، در حالی که می‌شد در این مجموعه از ابتگونه اشعارات بیشتر استفاده کرد. وقتی امام‌رضا علیه‌السلام پیراهن خود را به‌دعمل خزاعی‌شاعر نامدار هدیه دادند، به او فرمودند: «این پیراهن را فخر دیب و بنام محافظت که من در آن هزار شب و هر شبی هزار رکعت نماز خوانده و در آن هزار ختم قرآن به جای آورده.» در مجموعه ولایت عشق، شاهد سکنای اهدای امام‌رضا علیه‌السلام به‌دعمل هستیم، اما چنین کارلمی در آن وجود ندارد. نمونه دیگر، گزارش رجا بن ابی‌ضحاک، از چگونگی عسبدات امام‌رضا علیه‌السلام پس از نماز صبح است که می‌شد در قالب دیالوگی از رجا (با بازی فتحعلی اویسی) در کار وارد شود. البته نشان‌دادن اینکه امام‌رضا علیه‌السلام در منظره با عمران سابی برآی اقدام نماز بعد از اول وقت نماظره را قطع کردند در حالی‌که عمران تمایل به قبول اسلام شده بود، از محاسن این مجموعه تلویزیونی نیست؛ زیرا بر مخاطب اثر می‌گازد و



شده؛ زیرا ۲ بار شاهد مر تیره‌سپاری دعبل خزاعی، و گر به امام‌رضا علیه‌السلام و باران ایشان هستیم، به علاوه امام ادا‌ی خود را به‌دعمل هدیه می‌کنند و از او می‌خواهند همواره بیانگر شرح مظلومیت داد. برای نمونه، در همین مجموعه با نشان افزون بر این، امام هنگام ترک مدینه خانواده‌اش خود را جمع کرد و از آنان خواست برای رفتن ایشان گریه نکنند؛ زیرا دیگر بر گشتی در کار نخواهد بود. پیام این گریه اعلام اجباری‌بودن سس به مرو و خیردادن از نیت سوء مأمون بود. در پایان این مجموعه تلویزیونی، ضمن گفت‌وگوی امام و مأمون، خلیفه به این اقدام امام اشاره می‌کند و مخاطب از آن آگاه می‌شود. طاووسی مسرور انس با قرآن مجید را از دیگر جلوه‌های سیره عبادی امام‌رضا علیه‌السلام توصیف می‌کند می‌نویسد: این آن حضرت به قرآن آن حدی بود که می‌توان بیسان آن حضرت را گفتار قرآنی نامید. چنان‌که یکی از معاصران ایشان می‌گوید: «سخنان امام‌رضا علیه‌السلام و جواب‌ها و مثال‌های آن حضرت به‌طور کلی از قرآن داشت شده بود.» در بیانات امام‌رضاع) در مجموعه ولایت عشق نیز، به خوبی شاهد این گفتار قرآنی حضرت هستیم. برای نمونه، استدلال ایشان در برابر برادرانشان برای عدم قیام مسلحانه، مبتنی بر قرآن کریم است؛ همچنین استدلال ایشان برای پذیرش ولایتعهدی در پاسخ اعتراض فردی که می‌خواست امام را به قتل برساند و همین‌طور منع امام از قفس‌خوردن به قلم خاوندن متعال که مبتنی بر آن سوره مبار که بقره است، در سکنای امام در برابر حاکم مدینه، کوهی مظلوم را برابر خود می‌دانند و به آن مبار که «لَئِنَّا الْمُؤْمِنُونَ إِذْ هُذِنَا» (حجرات: ۱۰) استناد می‌کنند. به علاوه، امام در عبادت از مرخص متضرر مسیحی، قیام‌گذاشتن را سزوی می‌خوانند و تفسیرش را بیان می‌فرمایند و موجب مسلمانشان می‌گردد و با این از امام خاص و غیرعادی بودن، لاجرم در آید. هم نیز می‌خوانند که چنین چیزی را بدتر نکارد. ۳۲سوره مریم است که درباره ایلخاوند فرخنده ستان را در تباریوم کرد و رقم بد افتاد خوش گذشت و حال خوشی مستند داد. ... اما آن چیزی نبود که لایذ از روایت‌های هنری در ذهنم بود یا در ذهنم کاشته شد؛ نه بود؛ یعنی آن اتفاق خاصی که تصور می‌کنید که من یک نوجوان اینکه اینجا باید می‌افاد، اما تصور کنید که من یک نوجوان غیرت‌پران ندیده بودم که تا به حال به هیچ سفسری رفته بودم و از سسوی دیگر، ذهنم آن‌قدر از چنین تصویری بود، یعنی همه چیز را در این اتمسفر زمانی و فرهنگی سبیدید. بعدها که مطالع‌ام در حوزه ادیان و مذاهب بیشتر شد، متوجه شدم اساساً اعتوت و مذهب، پذیرده غریب و عجیبی نیست و اگر بخوام‌های ا پدیدهای عجیب‌سازیم، هم در حشش خیالست که ده‌دایم هم در حق خودمان، مذهب و معنوت نیز در دست مثل خود در نگدی، امری قشون رو به زور خارج از خط حق ناقص کنه. بله همکار عزیز من، همین عادی‌بودن است که ماهیت اصل خودش را نشان می‌دهد. شاید از نظر هنری، بشود گفت نوعی حرکت از همان کارتون‌های ناستباً سطح پایین که قر در آن آمده ا رو به بعد، و من بدانم، چون اینجا می‌تونیم یک مجموعه‌هایی چون «ولایت عشق» به سمت و سسوی اتاری چون «هر شب تنهایی» و «شب» و «کیما» ... و شاید هم نوعی حرکت از آثار خاص و فاقری چون ولایت عشق به این دست آثار، این چیزی بود که من به شسخت تجربه کردم و برایم به‌دست نیز خوشایند بوده و شسخت و خواهد بود. اینکه همه چیز در دل همین عادی‌بودن‌ها و روزمره بودن‌ها پنهان شده و از دست از نگاه خامی داشتند به موارد مذهبی براسم، می‌توانیم به ماهیت مذهب نیز بی‌بوستر و تا اسم فیلمت همه جا پو روی دیبا من گذاشتی است. این که اقا اصلاً چطور داشت عمل می‌کرد و با یک سکنای لای درده بود تا قانون رو دور رستند ... و طغر علی‌ه من قیام نوی (و یا نشاناز در دست کرد و این سدنلی که روش نشسته رو درزد از من، فیلم‌ام و همه عوالمه.



زندگی نمی‌تواند به‌قدر زندگی هم نداری، مهم تمام نبود بدش چی می‌شود....

ای کاش بهشون می‌گفتی تاریخ ثبت فیلمنامه ۱۳۷۱/۱/۳۰ (شعب‌بلند» نام اول فیلم «عنکبوت مقدس») در بانک فیلمنامه، اختلاف چند ماهه دارد با تاریخ ثبت فیلم سنن ابراهیم ایرج‌زاد (۱۳۷۱۰۶۰۴) «اتاق شرعی» نام اول فیلم «عنکبوت». ای کاش بهشون می‌گفتی توی ایران اولویت بر ساخت فیلم از یک سسور واقعی تا تاریخ ثبت فیلمنامه و تاریخ درخواست پروانه ساخت و شفا و وفاتت بستر سنن ان افتاده بودین تا من و مسیر قانونی‌ترایی در حال سیری نشدن توسط نمود دور بزینن!

همزمان با اختتامیه این جشنواره اعلام کرده است چرا که معتقدیم توحین به مقدسات خط قرمز ماست و بعد از آن بسیار ناهاده و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی و طیف‌های مختلف جامعه نسبت به محتوای مفرحانه امام(ره) و رهبری معظم و به یک انقلاب اسلامی مسیر تحول و استبدادگرایی مروج و متعارف‌دهی دشواریست.

سیرزدهم‌الای کرد و با اشاره به حوالی جشنواره اشاره به کمک حرم امام‌رضا علیه‌السلام در ساخت و به‌فکته وی، شاید دهه‌های در داخل با خارج مشکل مقدس، ایران داشت و وزارت‌اتر، ششکایتی را از طریق مراجع قضایی، سبست به آن اقدام تعداد در مقایسه با اکثریت و قاطبه

یادداشت
عبیسی محمدی
روزنامه‌نگار

مقدس: مانند لحظه‌های عادی زندگی



در مطالعات هنسری و ادبی، جمله جالبی وجود دارد که می‌گوید: روایت می‌خواهد از زندگی واقعی و عادی تقلید کند و زندگی عادی و واقعی می‌خواهد که از روایت تقلید کند. حدداش می‌شود اینکه هر دم، معمولاً می‌خواهد به بازنگار روایت‌های هنری که می‌بینند اقدام کنند. اما از طرف دیگر، سازندگان و الکنه‌شدگان این روایت‌های هنری، تلاش می‌کنند تا جایی که می‌شود، به زندگی واقعی و عادی نزدیک و نزدیک‌تر شوند و باز هم نزدیک‌تر شوند. این، قسه ساده همان جمله‌ای می‌شود که ز ابتدا آن اشاره کردم.

نخستین باری که به‌شدت تحت‌تأثیر چنین ایلوم بودم، نوجوانی پیش نبودم. قرار بود از طرف جایی ما را به مشهد ببرند. من توی عمر حرم خا از تهران هم خارج نشده بودم و این سفر، هم از نظر جرح‌شدن از تهران و هم از نظر اینکه داشتم به مشهد می‌رفتم، برایم به‌شدت خاص بود. اینجا بود که روایت‌های هنری و رسانه‌ای شکل گرفته‌اش مشهد و امام‌رضا، کار خودش انجام می‌داد. روایت‌ها در دهه ۶۰ و ۷۰ از این کارتون‌هایی بود که در آن اامانان را نشان می‌دادند. در سخنرانی‌ها روایت‌های رسانه‌ای دیگر نیز مدام از نظر حرم خا، و شفا و محتاج‌های خاص در حرم و... صحبت شد که اینها برای یک نوجوان سرد می‌گرم. تجزیه‌ده روزگار که در آنتوسس کنر عمرش را می‌روید، و خاص بود. توی آنتوسس کنر بودم، به جای سر کلگردن با دیده‌چاهه مدام توی خودم بودم و به این فکر می‌کردم اگر برسم آن‌جا، چه نخواهد شد و چه نخواهد شد. مدام، به این فکر می‌کردم که این لحظه و سیدن، چگونه لحظه‌ای باید باشد. چون روایت‌های هنری پیش از این امام خاص و غیرعادی بودن، لاجرم در آید. هم نیز می‌خوانند که چنین چیزی را بدتر نکارد. ۳۲سوره مریم است که درباره ایلخاوند فرخنده ستان را در تباریوم کرد و رقم بد افتاد خوش گذشت و حال خوشی مستند داد. ... اما آن چیزی نبود که لایذ از روایت‌های هنری در ذهنم بود یا در ذهنم کاشته شد؛ نه بود؛ یعنی آن اتفاق خاصی که تصور می‌کنید که من یک نوجوان اینکه اینجا باید می‌افاد، اما تصور کنید که من یک نوجوان غیرت‌پران ندیده بودم که تا به حال به هیچ سفسری رفته بودم و از سسوی دیگر، ذهنم آن‌قدر از چنین تصویری بود، یعنی همه چیز را در این اتمسفر زمانی و فرهنگی سبیدید. بعدها که مطالع‌ام در حوزه ادیان و مذاهب بیشتر شد، متوجه شدم اساساً اعتوت و مذهب، پذیرده غریب و عجیبی نیست و اگر بخوام‌های ا پدیدهای عجیب‌سازیم، هم در حشش خیالست که ده‌دایم هم در حق خودمان، مذهب و معنوت نیز در دست مثل خود در نگدی، امری قشون رو به زور خارج از خط حق ناقص کنه. بله همکار عزیز من، همین عادی‌بودن است که ماهیت اصل خودش را نشان می‌دهد. شاید از نظر هنری، بشود گفت نوعی حرکت از همان کارتون‌های ناستباً سطح پایین که قر در آن آمده ا رو به بعد، و من بدانم، چون اینجا می‌تونیم یک مجموعه‌هایی چون «ولایت عشق» به سمت و سسوی اتاری چون «هر شب تنهایی» و «شب» و «کیما» ... و شاید هم نوعی حرکت از آثار خاص و فاقری چون ولایت عشق به این دست آثار، این چیزی بود که من به شسخت تجربه کردم و برایم به‌دست نیز خوشایند بوده و شسخت و خواهد بود. اینکه همه چیز در دل همین عادی‌بودن‌ها و روزمره بودن‌ها پنهان شده و از دست از نگاه خامی داشتند به موارد مذهبی براسم، می‌توانیم به ماهیت مذهب نیز بی‌بوستر و تا اسم فیلمت همه جا پو روی دیبا من گذاشتی است. این که اقا اصلاً چطور داشت عمل می‌کرد و با یک سکنای لای درده بود تا قانون رو دور رستند ... و طغر علی‌ه من قیام نوی (و یا نشاناز در دست کرد و این سدنلی که روش نشسته رو درزد از من، فیلم‌ام و همه عوالمه.

همزمان با اختتامیه این جشنواره اعلام کرده است چرا که معتقدیم توحین به مقدسات خط قرمز ماست و بعد از آن بسیار ناهاده و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی و طیف‌های مختلف جامعه نسبت به محتوای مفرحانه امام(ره) و رهبری معظم و به یک انقلاب اسلامی مسیر تحول و استبدادگرایی مروج و متعارف‌دهی دشواریست.

سیرزدهم‌الای کرد و با اشاره به حوالی جشنواره اشاره به کمک حرم امام‌رضا علیه‌السلام در ساخت و به‌فکته وی، شاید دهه‌های در داخل با خارج مشکل مقدس، ایران داشت و وزارت‌اتر، ششکایتی را از طریق مراجع قضایی، سبست به آن اقدام تعداد در مقایسه با اکثریت و قاطبه